

تفکر رهایی بخش «با» و «بدون» مارکس

در گفتاری از مراد فرهادپور



یک تصویر از یک کتاب دربارۀ انقلاب فرانسه که در آن یک کارگر را در حال مبارزه با یک سرباز می‌بینیم.

گروه اندیشه: «تفکر رهایی بخش با و بدون مارکس» عنوان مجموعه در گفتارهایی است از مراد فرهادپور که پایز ۹۳ در مؤسسه پرسش ایراد شد. در این در گفتارها مفهوم رهایی در تاریخ معاصر جهان عمدتا از نیمه قرن نوزدهم تاکنون بررسی می‌شود. کجا و چگونه رهایی با پروژه فکری مارکس با همه فراز و فرود و تحولاتش ارتباط می‌یابد. فرهادپور در این سلسله بحث‌ها به پروژه‌های جدیدی می‌پردازد که در بطن تفکر رهایی‌بخش وجود دارد و همچنین مسئله رابطه سیاست رهایی‌بخش با امر اجتماعی یا جامعه. تکیه اصلی بر آرای دو چهره است؛ اتی‌بن‌لیبار و ارنستولاکلاو. دو چهره‌ای که به یک معنا همین دوگانگی «با» و «بدون» مارکس را در دل خود نهفته دارند. فرانت مارکس با تکیه بر تفسیر ماسیمیلیانو تومبا، فیلسوف ایتالیایی معاصر، دنبال می‌شود. آنچه در ادامه می‌آید متن تدوین‌شده جلسه نقدانی این مجموعه در گفتارهاست که در آن فرهادپور به کلیاتی از بحث اشاره و چارچوب تاریخی رهایی را مطرح می‌کند. بنابراین، بحث حاضر را باید خلاصه‌ای از ایده‌هایی دانست که طی چندین و چند جلسه بسط یافته‌اند، گرچه به‌تنهایی قابلیت خوانده‌شدن دارند. تلاش می‌شود در فرصت‌های آینده بخش‌های دیگری از این بحث به‌صورت مستقل از یکدیگر ولی در ارتباط مضمونی با هم آماده طبع شوند.

تایید شده نقش داشت. در جنگ استقلال مسئله برده‌داری به بحث روز بدل شد. انگلیسی‌ها مجبور شدند در دعوای میان انقلابیون آمریکایی و حکومت سلطنتی بریتانیا به این نکته استناد کنند که آزادی‌خواهانی که تا این حد از حقوق فردی دم می‌زنند و شاه بریتانیا را به عنوان مستبد محکوم می‌کنند خودشان برده‌دار هستند و هزاران هزار برده را با فجیع‌ترین وضع نگهداری می‌کنند و این امر در «نظام جمهوری» آنان یک تجارت اساسی است. اما پاسخ انقلابیون آمریکا پرده از حقایق بیشتری بر می‌دارد. کل نظام برده‌داری و انتقال برده‌ها از آفریقا به آمریکا با آن وضع وحشتناک (حدود ۹۰ درصد تلفات می‌داده تا صنعت پنبه در آمریکا بتواند با کار برده‌ها رونق بگیرد) محصول تلاش هلندی‌ها است – همان طرفداران تسامح و آزادی عقیده که به اسپینوزا اجازه می‌دادند کتاب بنویسد و البته این انگلیسی‌ها بودند که بعداً آن را ده‌ها برابر گسترش بخشیدند. بنابراین، بین آزادی به معنای آزادی فرد مالک مداخله‌گر در بازار و آن نوع آزادی که با مبارزات با پالین به گسترش حقوق شهروندی و حکومت قانون می‌انجامد تفاوت بسیار است. نگاشته‌نماند همین مبارزات مردمی در تقابل با مقاومت شدید طبقات حاکم و دولت در برابر گسترش عرصه شهروندی و حقوق لیبرال و «آزامردی» صورت می‌گیرد و با توحش سازمان‌یافته مواجه می‌شود. اینجاست که جمله مشهور بنیامین مصداق می‌یابد: «تمامی اسناد و مدارک تمدن، اسناد و مدارک توحش‌اند».

ج. استعمار، انقلاب و نظام انگلیس

اما در مورد استعمار بهتر است به وضعیتی ایرلند برگردیم. نمونه اولیه‌ای که به پیش از شکل‌گیری کامل امپراطوری بریتانیا و فرایم شدن نظام استعماری تلقی دارد؛ همان نظامی که از چین و هند تا آفریقا میلیون‌ها انسان را با فرهنگ‌های متفاوت به عنوان انسان در چه دو و سه تحت سلطه مستبد و مطلق‌گرا در می‌آورد و بنیان اقتصادی و حیات اجتماعی آنها را به جهت منافع تجاری و سوداگری و اقتصادی خود نابود می‌کند. تضاد بین ایرلند و انگلستان از زمان ظهور پروتستانسم جز، نزاع‌های مذهبی بوده است. هنری هشتم کلیسای انگلستان را از کلیسای کاتولیک جدا کرد، یک کلیسای دولتی ساخت و حرکت به سمت دولت مطلقه را آغاز کرد. منتها نکته جالب این است؛ بزرگ‌ترین لشکرکشی به ایرلند دقیقاً پس از پیروزی انقلاب لیبرالی انگلستان و زوال سلطنت مطلقه رخ می‌دهد، یعنی پس از غلبه بر شاه مستبد و پیروزی پارلمان در جنگ داخلی به رهبری کرامول. ارتش کرامول بعد از پیروزی به تدریج از عناصر رادیکال آن تصفیه شد؛ عناصری که کرامت انسانی و آزادی و مقابله با ستم و زورگویی را



مقوله رهایی را می‌توان از طریق تقابل با مهم‌ترین مفاهیمی توصیف کرد که در جهت‌دهی به کل تاریخ جدید و شکل‌دهی به آنچه ایدئولوژی خوانده می‌شود نقش اساسی دارند: «آزادی» و «عدالت». می‌کوشم تقابل میان این دورا با رجوع به تحول تاریخی آنها و آنگاه بازگشت به مفهوم رهایی نشان دهم. رهایی باید همه‌جانبه و همگانی و متکی بر رهاکردن خود باشد و در نتیجه پیوند نزدیکی دارد با «توان‌بخشی به خود» (self-empowerment). برخلاف مفهوم آزادی و سوبه‌های سلبی و ایجابی آن – «آزادی از» یا «آزادی برای» – در اینجا از آغاز این دو وجه همراه با هم و درهم‌تنیده‌اند. فراتر از آن، مشخصات رهایی را باید با رجوع به تحقق تاریخی آن در قالب بحث مبارزه طبقاتی و جنبش کارگری مشخص کرد. ولی در وهله اول بهتر است نگاهی انتقادی به دو مفهوم «آزادی» و «عدالت» و نحوه تعبیه‌شدن‌شان در ایدئولوژی‌ها و گفتارهای تاریخ مدرن‌تیه بیندازیم.

۱.بستر تاریخی آزادی

ریشه اصلی مفهوم آزادی در تحولات یا انقلاب‌های لیبرالی است که عمدتا به قرن هفدهم و اروپای شمالی بازمی‌گردند، در پیوند با بستری تاریخی که می‌توان تحت عنوان فرهنگ آنکلو ساکسون از آن نام برد. نمونه اولیه آن را در هلند می‌بینیم. در بحث‌های مربوط به آزادی عقیده، تسامح، حکومت قانون که همه در پیوندن با روی کار آمدن و برجسته‌ترشدن نقش «قشر سوم» – به معنای بورژوازی، تجار، سوداگران، خرده‌مالکان، قشر کارمندان، بوروکرات‌ها و تکنوکرات‌ها – و همچنین هرگ‌نگ‌شدن نقش کلیسا – به ویژه کلیسای متمرکز کاتولیک – و تا حدودی کنترل عملکرد دولت متمرکز و استبدادی، بحران درونی فنودالیسم به شکل‌گیری دولت می‌انجامد اما ساخته‌شدن آن از گذشت زمان به رشد که فیلسوف اعظم آن جان لاک است. پس از هلند به انگلستان می‌رسیم. در انگلستان گذر از استبداد به حکومت پارلمانی تحت لوای استقرار «حکومت قانون» رخ داد؛ تأکید بر حقوق ملت (به‌ویژه به لحاظ پرداخت مالیات یا مشارکت در جنگ) در مقابل قدرت دولت که اوج آن انقلاب کرامول در سال ۱۶۴۲ است. نمونه سوم، شکل‌گیری دولت آمریکا از دل جنگ استقلال است که در تقابل با دخالت‌های قدرت مرکزی در انگلستان و با توجه به جهت شکل‌گیری یک جامعه بورژوازی مبتنی بر مالکیت خصوصی (و فاقد هرگونه تاریخ پیشاسرمایه‌داری) رخ داد. در آمریکا به جهت فقدان سابقه فئودالی، حقوق فردی، حکومت قانون، آزادی عقیده و دین به‌سرعت جا افتاد.

با گذر از نمونه اول که شاید به لحاظ تاریخی چندان آشنا نباشد، به دینامیسم درونی ایدئولوژی آزادی می‌رسیم که از همان زمان جزئی از فرایند کلی ظهور لیبرالیسم و شکل‌گیری سرمایه‌داری بود و سپس با دموکراسی در قالب لیبرال‌دموکراسی و در هیات حقوق بشر، حکومت قانون، تفکیک قوا و محدودکردن دخالت‌های دولت گره خورد. زمینهٔ این ایدئولوژی اساسا استوار بر آزادی «مرد بورژوازی سفید مالک» است؛ یعنی استوار بر مبادله و مشارکت در بازار و آزادی آن سوزّه فردی که محتوای آن با منفعت اقتصادی تعیین می‌شود. به همین علت جنتلمن‌ها، خرده‌مالکان، تجار و این‌گونه افراد هستند که به عنوان دارندگان حق رای بر دخالت‌های دولت در عرصه مالیات‌گیری و جنگ حد می‌گذارند و می‌خواهند دولت را به شکل قانونی اداره کنند. پایه اصلی آزادی از همان ابتدا دخالت در بازار است. نگاهی به تاریخ تحول جریان لیبرال نشان می‌دهد گسترش حقوق به حق رای – سهول‌الوصول‌ترین حق – در وهله اول تنها مختص افرادی است که دارای مالکیت بودند. تنها شخص مالک فرد محسوب می‌شد و دارای حقوقی در نسبت با دولت بود. پس از قرن‌ها مبارزه و درگیری مردم عادی، رفته‌رفته حقوق لیبرالی به حق رای همگانی گسترش می‌یابد. آن‌هم در ابتدا برای همه مردان (مستقل از اینکه کارگردن یا صاحب ملک و سرمایه) و آنگاه زنان.

الف. دیکتیز، جنتلمن و فقیر

عالی‌ترین شکل بروز این تاریخ را می‌توان در چارلز دیکنز یافت. در آثار او به مفهوم جنتلمن برمی‌خورید. جنتلمن بر دارایی استوار است. فرد برخوردار از دارایی شهروند محسوب می‌شود و حق رای و کرامت انسانی و نظایر آن دارد. اگر هلند را کنار بگذاریم، انگلستان و آمریکا سارنده تمدن آنکلو ساکسون هستند. در متن رشد لیبرالیسم و شکل‌گیری مفهوم آزادی و تبدیل آن به یک عنصر اساسی و مرکزی در گفتارهای ایدئولوژیک و تاریخی، ملت آزاد تنها ملل آنکلو ساکسون به شمار می‌آیند. در حالی‌که بقیه ملل برده‌صفت‌اند یا حسن آزادی و کرامت ندارند این آنکلو ساکسون‌ها هستند که انقلاب صنعتی می‌کنند، به کشف آمریکا نایل می‌آیند و در صف اول حرکت تمدن قرار دارند چون ذاتا مستقل و آزاد محسوب می‌شوند. آزادی برای آنکلو ساکسون‌ها معنایی اساسی دارد که در انقلاب‌ها و نحوه تغییر حکومت آنها تجلی یافته است.

درست همین‌جاست که روی دیگر سکه نمایان می‌شود. گسترش آزادی و حتی تبدیل آن به نوعی حکومت قانون از طریق انقلاب‌هایی که خود را در تقابل با استبداد مطلقه در انگلستان و آمریکا تعریف می‌کردند با نقطه مقابل آزادی یا همان بندگی و اسارت پیوند دارد. این قضیه را می‌توان در دو پدیده مشاهده کرد: برده‌داری و استعمار. به‌علاوه، حرکت به سمت آزادی و ایجاد ملت آزاد غیور که خود قانون خود را تعیین می‌کند و جلوی پادشاه خم نمی‌شود، در مرحله اولیه خود که حقوق و آزادی‌ها کاملاً محدود به جماعت دارای مالکیت و شهروندی است هنوز شامل حال کارگران و فقرا نمی‌شود. بنابراین، شاید بتوان پدیده سومی نیز به برده‌داری و استعمار اضافه کرد؛ فقرا. در فضای رشد تجاری، بحران فنودالیسم و شروع فردگرایی اقتصادی افسارگسیخته، زارعان از زمین‌هایشان کنده می‌شوند و با انبوه فقرای شهری در پاریس و لندن و برلین روبرو می‌شوییم. شیوه‌های مهار و استفاده از این پدیده وحشتناک است. در لیبرال‌ترین کشورها مانند انگلستان کل مسئله به گردن تبیلی فقرا انداخته و با این پدیده به خشن‌ترین شکل ممکن برخورد می‌شود. حکومت قانون و بیگیری را جرم به شمار می‌آورد و مجازات گدایی تا حد اعدام تعیین می‌شود. پدیده فقر در رمان‌های دیکنز حضوری بارز دارد گرچه ممکن است به لحاظ تاریخی برای ما چندان آشنا نباشد. اما برخلاف پدیده تهیدستان شهری که امروز بیشتر معضلی جهان سومی به شمار می‌آیند و رد پایشان از تاریخ مغرب‌زمین زدوده شده است برده‌داری و استعمار دو پدیده کاملاً شناخته‌شده و هنوز بحث‌برانگیزند – هرچند کمتر کسی از پیوند ذاتی آنها با رشد لیبرالیسم به غرب سخن می‌گوید.

ب. برده‌داری، پدران آزاداندیش آمریکا و هلند مداراچو

درست در اوج شکل‌گیری ایالات متحده و پدران آزاداندیش آمریکا که قانون اساسی را بر اساس حقوق فردی و آزادی عقیده و جدایی دین از دولت می‌نوشتند برده‌داری در جریان بود. پدران آزاداندیش خود برده‌دار بودند و نقش مؤثری در رسمیت‌بخشی به این کار به عنوان یک امر طبیعی داشتند که به گفته ایشان حتی انجیل هم آن را تأیید کرده بود. لاک در تنظیم نظام قانونی یکی از ایالت‌های آمریکا (کارولینا) که برده‌داری در آن کاملاً تعبیه و

اندیشه

بیش از حد جدی گرفته بودند و ابتدا آن را به سربازان – در تقابل با قشر افسرها – تعمیم می‌دادند و سپس به افراد عادی مانند دهقانان و کارگران. این قشر انقلابی ارتش یک‌دست‌کننده‌ها (Levelers) نام داشتند. پس از قتل‌عام این عناصر در ارتش و کنترل سوبه خطرناک انقلابی، بزرگ‌ترین و خشن‌ترین لشکرکشی به ایرلند – که قابل قیاس با تصفیه نژادی و پاکسازی قومی است – توسط همان ارتش برآمده از انقلاب آزادی‌خواه انگلستان رخ می‌دهد. شکل ایدئولوژیک این قتل‌عام را حتی در اوایل قرن بیستم در جاهایی از لندن با این عبارت می‌بینیم که: «رود سگ‌ها و ایرلندی‌ها ممنوع». نتیجه این لشکرکشی داغان‌کردن پایه‌های اقتصادی، انتقال مالکیت زمین‌ها و گرفتن تمام اراضی مرغوب و قابل کشت و اعطای آنها به سپاه پروتستانا یا خانواده‌هایی بود که بعداً به عنوان مهاجرنشین آمدند. اقلیت پروتستانی که امروز در ایرلند شمالی است نتیجه همان اقدام است. این کار را ارتش برآمده از انقلاب ضداستبداد انجام داد که نظیرش در هیچ یک از حملات شاهان مستبد انگلستان به ایرلند دیده نمی‌شود. جنگ‌ها در آن دوران (یعنی تا قبل از شکل‌گیری «ملت آزادمدران تحت حکومت قانون») محدود و مربوط به دعوای بین دو آریستوکراسی بود و هیچ‌گاه نتایجی مانند پاکسازی قومی و نژادپرستی و تبدیل ایرلند به یک مستعمره نداشت. چنین قتل‌عامی استعمار در هند، چین و آفریقا در پیوند کامل با شکل‌گیری امپراطوری بریتانیا و سایر قدرت‌های استعماری تحقق یافت. تشکیل ایالات متحده نیز همراه بود با حرکت به سمت غرب و قلع‌وقمع همه اقوام سر راه براساس مفهوم آزادی، ملت آزاد و فرایند حکومت قانونی. بخش وسیعی از شرق کنونی آمریکا از طریق جنگ با کشورهای جهان سومی یا پس‌مانده‌های امپراطوری اسپانیا به دست آمده است. تکراس و کالفرنیا در اختیار مهاجران اسپانیایی بود که در جریان گسترش ایالات متحده از طریق جنگ و مشابه گسترش امپراطوری بریتانیا به دست آمد.

نمونه فرانسوی آزادی در قرن هفدهم و هجدهم با نمونه‌های دیگر فرق می‌کند. زیرا بحران فنودالیسم در فرانسه با انگلستان تفاوتی ریشه‌ای داشت. آریستوکراسی انگلستان با حرکت بورژوازی جنتلمن‌ها و پارلمان در تحدید قدرت شاه و ساختن حکومت قانون همراه شد، حال آنکه آریستوکراسی فرانسه صرفاً زانده‌ای بود از استبداد مطلقه متمرکز در شخص شاه. اشراف فرانسه از مالیات و معاف و به لحاظ فیزیکی اکثرشان در ورسای ساکن بودند و از دهقانان بهره مالکانه می‌گرفتند. با وجود این، در انقلاب فرانسه شعار «آزادی، برابری، برادری» در یک ضدانقلاب بورژوازی ادغام می‌شود. پشت سر هر یک از قرا‌های دندوتیز انقلاب فرانسه – از ۱۷۹۲ تا ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ و نهایتاً کمون ۱۸۷۱ – یک ضدانقلاب بورژوازی داریم که غالباً در هیات ساختن جمهوری ظاهر می‌شود. مثال آن ناپلئون اول و مثال مشخص‌تر آن لئونی بنایارت است. در پی این ضدانقلاب‌های بورژوازیی «آزادی، برابری و برادری» در ایدئولوژی محافظه‌کارانه جمهوری‌خواهان دست‌راستی ادغام می‌شود. در دوران ما نیز ادامه این شعار مانع از آن نشد که یک میلیون الجزایری در نبرد با سیستم استعمار فرانسه کشته نشوند یا در می ۶۸ قیام کارگران و دانشجویا با استفاده از قدرت پلیس و ارتش سرکوب نشود. در نتیجه سوبه ارتجاعی آزادی در نمونه فرانسوی نیز آشکار است هرچند با ژست انقلابی بیشتری، همان‌طور که در عصر ما نیز صرف حرف‌زدن درباره «حقوق بشر» در عین پامال کردن آن، وجه مشخصه نظام سلطه و ابزاری در دست همه دولت‌های کوچک و بزرگ است.

کوشیدم با رجوع به تاریخ، تناقض نهفته در مفهوم لیبرالی آزادی را نشان دهم به‌ویژه در پیوند با تحولات درونی کشورهایی که منشأ تپوهرش بوده‌اند و تأثیر عظیمی که این «ملت پیشرفته و آزاد» به مباحثی برده‌داری و استعمار بر کل جهان گذاشته‌اند. این تناقض شاخه‌ای از ایدئولوژی پیشرفت و گرہ‌خوردن آن به تاریخ مدرن است که وقتی از این‌منظر به آن می‌نگریم به عکس خود بدل می‌شود؛ به جای معنای رایج قرن هجدهمی از روشنگری، یعنی پیشرفت تمدن، آزادی، پس‌رفتن خرافات و استبداد و ستم با دوگانگی هولناکی مواجهیم که از دل همین حرکت آزادی‌خواهانه مدرن و در متن رشد جهانی سرمایه‌داری لیبرال بیرون می‌زند؛ برده‌داری و استعمار.

۲.بستر تاریخی عدالت

اگر شروع آزادی به قرن هفدهم و هجدهم برمی‌گردد، شکل‌گیری مقوله‌ای به نام عدالت را می‌توان به ضدانقلابی که از دل انقلاب‌های چپ برآمد بازگرداند. در نیمه اول قرن بیستم، در دوران جنگ سرد یا جنگ «جهان آزاد» با دولت‌های متمرکز استبدادی که از دل انقلاب‌های مردمی در روسیه، چین و کوبا سر بر آورده بودند، مفهوم عدالت به شکلی صریح باضمین تقابل با آزادی مطرح شد. رقابت ایدئولوژیک عبارت بود از اینکه اگر مردم در بلوک شرق آزادی ندارند دست‌کم به عدالت دست یافته‌اند. عدالت در تقابل با آزادی عمدتاً برای توجیه نظام‌های سلطه استوار بر اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده دولتی مطرح می‌شد. می‌توان این نزاع ایدئولوژیک را بر اساس تقابل دو عرصه سیاسی و اقتصادی خواند. زیرا مفهوم آزادی در مقام امری صرفاً سیاسی مطرح می‌شده، هرچه محتوای آن چیز نبود چون روابط بازار و حضور افراد در آن که موجب می‌شد کسانی دست بالا را داشته باشند که دارای مالکیت‌باند و آنها که از مالکیت بهره‌ای ندارند به پرولتاریا تبدیل شوند، یعنی به کسانی که تنها راه بقایشان فروش نیروی کارشان است. پس در مفهوم آزادی گرچه محتوا اقتصادی است اما شکل بیان آن سیاسی است. در مورد عدالت، از ابتدا محتوای اقتصادی اجتماعی غالب است و ادعا می‌شود این محتوا در نظام‌های متمرکز سوسیالیستی تحقق یافته است. روی دیگر سکه، قیچی‌کردن سیاست است. زیرا بهای تحقق عدالت این است که مردم سیاست و آزادی نداشته باشند و فقط نظام اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده از بالا زیرنام عدالت منابع را به‌گونه‌ای تقسیم کند که ظاهراً همگان بهره‌ای برابر از آن داشته باشند. چنان‌که همه می‌دانیم، دولت‌های سوسیالیستی نتیجه انقلاب‌های مردمی در گسست از سرمایه‌داری بودند. اگر مفهوم عدالت را در پیوند با دولت بپذیریم – به عنوان چیزی که دولت اعطا می‌کند – باید گفت سوسیالیسم واقعا موجود به‌راستاست در حدودی در تحقق واقعی این امر موفق بود. زیرا در حادقلی بر خودراری از زندگی مادی را به شکل متناسب‌تری از جامعه سرمایه‌داری فراهم آورد؛ چه در چین که مسئله غذا رساندن به میلیون‌ها نفر بود، یا در روسیه و اروپای شرقی که از سطح زندگی بالاتری برخوردار بودند. می‌توان با شواهد و مدارک اثبات کرد دست‌کم مردم چکسلواکی در سال ۱۹۷۵، به‌رغم سرکوب بهار پراگ و حضور تانک‌های روسی در پایتخت، از مردم پرتغال در «جهان آزاد» به رهبری آمریکا وضعیت بهتری داشتند.

مع‌الوصف دوگانگی مفهوم عدالت نیز در این واقعیت نهفته بود که از دل انحطاط انقلاب‌های قرن بیستم برخاست و ثمره نوعی ضدانقلاب بوروکراتیک بود که از بسیاری جهات قابل مقایسه با ضدانقلاب‌های بورژوازی نبود، هرچند نتیجه نهایی هر دوی آنها نظام‌هایی مبتنی بر سلطه بود که در آنها آزادی و عدالت صرفاً نام‌هایی توخالی بودند. مسیر تاریخی عدالت در قرن بیستم در قالب دیدی خطی از تاریخ ترسیم می‌شود.

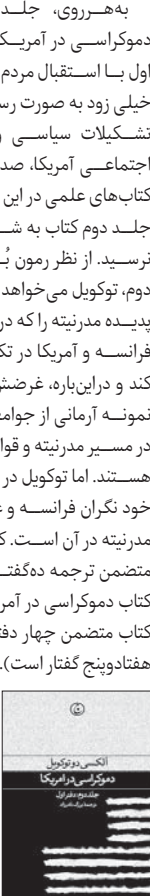
ادامه در صفحه ۱۱

آمریکا، آمریکای توکویل

سال‌هاست که دعوای ایدئولوژیک میان چپ‌گرایان و راست‌گرایان حول یک نام می‌گردد؛ الکسی دو توکویل؛ متفکری که پشتوانه نظری راست‌گرایان است. برخی، دو جریان اصلی نیمه اول قرن نوزدهم را «لیبرالیسم سیاسی توکویل» در مقابل «مارکسیسم» می‌دانند. توکویل زود درگذشت و اندیشه‌اش ایالات متحده آمریکا در عرصه تئوریسم جهانی با راهزنان و تئوریست‌های گوناگونی که هر یک دولت‌های قلمرویی را زیر سؤال برده‌اند، او در کتاب «تئوریسم و غرب»، که اخیرا به فارسی هم ترجمه شده، در گفت‌وگو با آندره ولجک (روزنامه‌نگار و پژوهشگر چک‌تبار آمریکایی) نه تئوریسم راهزنان بلکه تئوریسم امپراطوران را نقد می‌کند؛ امپراطورانی که خاستگاه‌شان غرب است و می‌خواهند همه جهان را صاحب شوند. در این کتاب اما غرب در مفهوم جغرافیایی خلاصه نمی‌شود و از ایالات متحده تا استرالیا را در بر می‌گیرد. زمینه بحث این کتاب میراث فرهنگی استعماری است و ارجاعات تاریخ آن عمدتا به رویدادهای پس از جنگ دوم جهانی محدود می‌شود. عنوان فرعی این کتاب «از هیروشیما تا جنگ پهباده‌ها» است. محور این گفت‌وگوها مسئولیت کشورهای غربی دربرابر تعرض یا‌بمان به دیگر کشورها بود که به‌تبع آن، به کارنامه سیاست‌های تئوریستی غرب در سده‌های اخیر اشاره دارد. رئیس بحث‌های این کتاب را می‌توان از هیروشیما تا جنگ پهباده‌ها و از نخستین روزهای استعمار تا کاربست مدرن‌ترین ترفندهای تبلیغاتی در غرب دانست. این کتاب با شرح این نکته از سوی ولجک آغاز می‌شود که از زمان پایان جنگ دوم تا امروز، ۵۵ میلیون نفر مستقیم و صدهامیلیون نفر نیز غیرمستقیم، قربانی امپریالیسم شده‌اند. نتیجه این بحث به گفته جاسمکی تنها یک انتخاب برابر ما می‌گذارد: انتخاب بین مقابله با وضع موجود یا تسلیم در برابر آن. جاسمکی تأکید دارد که وادادن و توجیه اینکه کاری نمی‌توان کرد، همیشه آسان‌ترین کار ممکن است.

موضوع تئوریسم و ترس از آن بعد یازده سپتامبر در قالب «جنگ علیه ترور» هم جهان را فراگرفت. با تغییر موقعیت انضمامی و کاربرد واژه «ترور» در قرن جدید، ترور که پیش از این نماد یاغی‌گری جمهوری بُدن و «روح‌القوانین» متسکیبه به شمار می‌آورد، توکویل این‌کتاب را پس از سفری به آمریکا به منظور بررسی «روش اداره زندان» در آنجا نوشت. این کتاب از نظر برخی نظریه‌پردازان، دقیق‌ترین تحلیل در باب نظام اجتماعی و سیاسی آمریکاست. توکویل در کتاب دوران‌ساز خود درباره قانون‌گذاری و شیوه زندگی در ایالات متحد آمریکا به دآوری جامعه می‌پردازد و آنها را به‌موقعیت کشورهای اروپای کهن، خاصه فرانسه از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ به بعد، مقایسه و مقابله می‌کند. مساوات

که در حیات اجتماعی و سیاسی کشور تازه‌تأسیس عامل مهمی است، پایه قانون اساسی و به‌ویژه مبنای شیوه حیات سیاسی و مذهبی آن قرار می‌گیرد. مبارزه با ریشه‌های فکری و فرهنگی جماعت‌های خشن و سخت‌گیر مذهبی و تبعیدی، مبارزه با ماجراجویان، مذاکرات صلحی که برای اصلاح و اصلاح «جامعه‌نو» بسته شد و شورش در برابر اشکال آزاردهنده حکومت و قدرت مطلقه، همگی در شکل‌گیری و رشد ملت آمریکا نقش قاطعی داشته است. با این‌همه شواهدی همچون برده‌داری و تبعیض نژادی علیه سیاهپوستان و تانیم دوم قرن بیستم تردیدهایی را نسبت به چنین ادعایی برمی‌انگیزد. به‌هرروی، جلد اول کتاب دموکراسی در آمریکای او از همان اول با استقبال مردم مواجه شد و خیلی زود به صورت رساله راهنمای تشکیلات سیاسی و حقوقی و اجتماعی آمریکا، صدرنشین جمع کتاب‌های علمی در این زمینه‌شد اما جلد دوم کتاب به شهرت جلد اول نرسید. از نظر رمون بُدن، در مجلد دوم، توکویل می‌خواهد قبل از هر چیز پدیده مدرنیته را که در هر دو جامعه فرانسه و آمریکا در تکاپوست روشن کند و دراین‌باره، غرضش آشکارا ارائه نمونه آرمانی از جوامعی است که در مسیر مدرنیته و قوام و استقرار آن هستند. اما توکویل در نه‌انخانه ذهن خود نگران فرانسه و عاقبت استقرار مدرنیته در آن است. کتاب پیش‌رو، متضمن ترجمه ده‌گفتار از جلد دوم کتاب دموکراسی در آمریکاست (اصل کتاب متضمن چهار دفتر منقسم به هفتادوپنج گفتار است).



دموکراسی در آمریکا

الکسی دوتوکویل

ترجمه بزرگ نادرزاد

ناشر: فرهنگ جاوید

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

بررسی

درباره تئوریسم دولتی

آگوستین قدیس روایت می‌کند که اسکندر مقدونی دزدی دریایی را اسیر کرد و از او پرسید: «چطور به خود اجازه می‌دهی به دریا دست اندازی و مردم را بی‌آزاری و غارت کنی؟» دزد دریایی جواب می‌دهد: «تو چطور به خود اجازه می‌دهی به جهان دست اندازی و مردم را بی‌آزاری و غارت کنی؟ من که با یک کشتی کوچک راه مردم را می‌گیرم به من می‌گویند راهزن، اما تو که با یک ناوگان بزرگ کار می‌کنی به تو می‌گویند امپراطور». نوام چامسکی این نقل‌قول را در کتاب «راهزنان و امپراطوران قدیم و جدید» می‌آورد و روایت را به مصداق امروزی آن می‌رساند؛ با مقایسه ایالات متحده آمریکا در عرصه تئوریسم جهانی با راهزنان و تئوریست‌های گوناگونی که هر یک دولت‌های قلمرویی را زیر سؤال برده‌اند، او در کتاب «تئوریسم و غرب»، که اخیرا به فارسی هم ترجمه شده، در گفت‌وگو با آندره ولجک (روزنامه‌نگار و پژوهشگر چک‌تبار آمریکایی) نه تئوریسم راهزنان بلکه تئوریسم امپراطوران را نقد می‌کند؛ امپراطورانی که خاستگاه‌شان غرب است و می‌خواهند همه جهان را صاحب شوند. در این کتاب اما غرب در مفهوم جغرافیایی خلاصه نمی‌شود و از ایالات متحده تا استرالیا را در بر می‌گیرد. زمینه بحث این کتاب میراث فرهنگی استعماری است و ارجاعات تاریخ آن عمدتا به رویدادهای پس از جنگ دوم جهانی محدود می‌شود. عنوان فرعی این کتاب «از هیروشیما تا جنگ پهباده‌ها» است. محور این گفت‌وگوها مسئولیت کشورهای غربی دربرابر تعرض یا‌بمان به دیگر کشورها بود که به‌تبع آن، به کارنامه سیاست‌های تئوریستی غرب در سده‌های اخیر اشاره دارد. رئیس بحث‌های این کتاب را می‌توان از هیروشیما تا جنگ پهباده‌ها و از نخستین روزهای استعمار تا کاربست مدرن‌ترین ترفندهای تبلیغاتی در غرب دانست. این کتاب با شرح این نکته از سوی ولجک آغاز می‌شود که از زمان پایان جنگ دوم تا امروز، ۵۵ میلیون نفر مستقیم و صدهامیلیون نفر نیز غیرمستقیم، قربانی امپریالیسم شده‌اند. نتیجه این بحث به گفته جاسمکی تنها یک انتخاب برابر ما می‌گذارد: انتخاب بین مقابله با وضع موجود یا تسلیم در برابر آن. جاسمکی تأکید دارد که وادادن و توجیه اینکه کاری نمی‌توان کرد، همیشه آسان‌ترین کار ممکن است.

موضوع تئوریسم و ترس از آن بعد یازده سپتامبر در قالب «جنگ علیه ترور» هم جهان را فراگرفت. با تغییر موقعیت انضمامی و کاربرد واژه «ترور» در قرن جدید، ترور که پیش از این نماد یاغی‌گری جمهوری بُدن و «روح‌القوانین» متسکیبه به شمار می‌آورد، توکویل این‌کتاب را پس از سفری به آمریکا به منظور بررسی «روش اداره زندان» در آنجا نوشت. این کتاب از نظر برخی نظریه‌پردازان، دقیق‌ترین تحلیل در باب نظام اجتماعی و سیاسی آمریکاست. توکویل در کتاب دوران‌ساز خود درباره قانون‌گذاری و شیوه زندگی در ایالات متحد آمریکا به دآوری جامعه می‌پردازد و آنها را به‌موقعیت کشورهای اروپای کهن، خاصه فرانسه از انقلاب کبیر ۱۷۸۹ به بعد، مقایسه و مقابله می‌کند. مساوات



درباره تئوریسم غرب

نوام چامسکی، آندره ولجک

ترجمه: مازیار کلاکاون

ناشر: مهر ادبیوش

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

است می‌توان بیرون از آنچه تحت عنوان تئوریسم این‌روزها علم شده خواندهٔ از این‌رو، جاسمکی قاب نظری خود را در تحلیل ارتباط تئوریسم و غرب بسیار گسترده‌تر از حدود برآمده از وقایع یازده سپتامبر تعریف می‌کند و نشان می‌دهد امکان شناخت ابعاد واقعی این فجاجع بدون تامل در پیشینه استعماری وقایع معاصر ناشدنی است.

چامسکی و ولجک در این کتاب درباره اردوگاه شوروی، تبلیغات و رسانه‌ها، هندوستان و چین، آمریکای لاتین و خاورمیانه و بهار عربی و موضوعات دیگر بحث می‌کنند. جاسمکی خصوصاً در بحث درباره بهار عربی و وضعیت ترکیه نگاهی تقریباً خوشبینانه دارد. البته او درباره بهار عربی ضمن بررسی شرایط کنونی و جریان‌هایی که بر مسند قدرت تکیه زده‌اند، به وجود جنبش کارگری و پروتاون و مبارزی اشاره می‌کند که سال‌هاست برای دستیابی به حقوق کار مبارزه کرده است. او تأکید دارد فراموش نکنیم ابتکار نظارات میدان التحریص مصر و هدایت آن در جنبش ۶ آوریل ۲۰۱۱ در جنبشی از جوانان متخیر مصر کارآمد که نامش از حرکت اعتراضی گسترده کارگری در ششم آوریل ۲۰۰۸ گرفته شد که رژیم مبارک آن را سرکوب کرد. او معتقد است خیزش ژانویه ۲۰۱۱ و بهار عربی مصر با این جنبش آغاز شد. ازاین‌رو، مهم‌ترین دستاورد واقعی بهار عربی را خصوصاً در مصر و تونس در کنار کاهش چشمگیر محدودیت‌های آزادی بیان در اول انقلاب، کاهش و با شاید لغو محدودیت‌های سازمان‌های کارگری می‌داند. او واکنش ایالات متحده و متحدانش را به‌صراحت، عناد و دشمنی این دولت‌ها با تحقق دموکراسی در خاورمیانه عنوان می‌کند. او قویا معتقد است دولت‌های غربی عناصر دموکراتیک بهار عربی را از کار خواهند انداخت که با توجه به تاریخ چاپ نسخه انگلیسی کتاب (۲۰۱۳)، به نظر می‌رسد پیش‌بینی او امروز به وقوع پیوسته است، او همچنین در سده‌های پیش‌بینی کرده بود که «حکومت مصر [آخوان‌المسلمین] اعتبار خود را به‌زودی از دست می‌دهد چراکه نمی‌توانند مطالبات اساسی این جنبش را با سیاست‌های نولیبرالی و تبعات آن پاسخ دهند. آنها به‌نوبه خود مشکلات را دامن می‌زنند و آن را مزمن‌تر می‌کنند». باین‌حال تحلیل او از وضعیت خوشبینانه و باامید باقی می‌ماند می‌گوید: «احتمالاً تجربه سال‌های اخیر و دستاوردهای آن، در نزد محدودیت، خیزش‌های نوینی را در پی خواهد داشت». با همین نگاه چامسکی در انتهای کتاب نشان می‌دهد هرچند غرب می‌کوشد سيطرة خود را بر جهان تحکیم کند و به‌جز معدودی از کشورها و شخصیت‌های مصمم، مانعی بر سر راه خود نمی‌بیند، اما همچنان‌که تاریخ نشان می‌دهد ممکن است همین هم برای متوقف‌کردن ترور و هموارکردن راه پیروزی انسان‌گرایی کفایت کند. ازاین‌رو، معتقد است درست‌انجام دولت‌های بزرگ جهان سلطه‌شان را بر بخش دیگر جهان در دست خواهند داد. هرچند نویسندگان در این کتاب از فاجعه هیروشیما به اندازه فجایع اخیر حرف نمی‌زنند و به نقش مرم‌گرای پهباده‌ها، به‌عنوان کنه‌افزارهای تئوریستی مدرن نیز تنها اشاره‌ای کوتاه دارند، اما عنوان فرعی کتاب شاید بیانگر دو نقطه عطف برای علامت‌گذاری محدوده‌ای زمانی باشد که مسائل گفت‌وگوی این کتاب را به زندگی روزمره تک‌تک مردم جهان گره می‌زند.